



زیروبم حرفه تدوینگری از زبان هنرمند مجله سجاد
که عمرش را پای این هنر گذاشته است

۵۴

چینش هماهنگ نماها و آواها



عکس: نرجس شاکری/شهرآرا

خاطره ساکن قدیمی خیابان موسوی قوچانی ۲۴
از زندگی در دهه ۶۰

ماری که دزدها جا گذاشتند

۶



وعده ساخت یک ساله مجموعه ورزشی

۳

مجله قدس، عملی نشد

تورم، دلیل راکد ماندن پروژه

پویش «مشهد مهربان» این بار

۷

در دبیرستان دخترانه البرز برگزار شد

توجه دختران به مادران دربند

همسایه به همسایه، دیدار هجدهم، خیابان شهید اسفندیانی ۶

کار خیر سخت نیست

صدرا سال هاست که ساکنان خیابان شهید اسفندیانی ۶ در محله گوهرشاد هر روز یکدیگر را می بینند از حال هم باخبرند. در همه این مدت، کارهای بسیاری برای همسایه ها و هم محلی ها انجام داده اند. از انجام کارهای خیر گرفته تا برگزاری مراسم مختلف. یکدیگر را خواهر صدامی کنند و پشتشان به هم گرم است. برای کمک کردن از هم پیشی می گیرند و اجازه نمی دهند مشکلات سدره فعالیت هایشان شود.

● نیکوهای خانم معلم بازنشسته

صفورا حیدری، فرهنگی بازنشسته، ۴۵ سال پیش ساکن اینجا شد. همسایه ها او را به کارهای خیرش می شناسند. علاوه بر کمک به نیازمندان ساکن محله، حمایت از دانش آموزانی که والدین بدسرپرست دارند، از مهم ترین کارهای خیر اوست. او می گوید: تنها کاری که می توانستم برای این دانش آموزان انجام دهم، تهیه ارزاق و بردن به در خانه هایشان بود. هر وقت هم نیاز بود در درس ها به آن ها کمک می کردم. از دیگر فعالیت های صفورا خانم برگزاری دوره قرآن در ماه مبارک رمضان و پهن کردن سفره افطار در پانزدهمین روز این ماه هم زمان با میلاد امام حسن مجتبی (ع) است. سفره ای که به قول همسایه ها هر کدام به اندازه خودشان نخودی در آن می اندازند. صفورا خانم می گوید: این سفره به همت همسایه ها هر سال انداخته می شود. همه در خرید مواد اولیه آن همکاری دارند و اینجا را خانه خودشان می دانند. همه در کمک کردن از هم پیشی می گیرند. این همسایه ها حکم خواهر را برایم دارند و در همه این سال هادر خوشی و ناخوشی کنارم بوده اند.



● پذیرای مهمان همسایه ها

صفورا خانم، باهره مرادی زاده، دیگر همسایه قدیمی شان را معرفی می کند. که چند سالی زودتر از آن ها به این محله آمده اند. وقتی باهره خانم ساکن اینجا شده نو جوان بوده و با خانواده پدری زندگی می کرده است. او بعد از دواج نیز همین جا ماندگار شده است. همسایه ها او را به اخلاق خوش و صبوری اش می شناسند. یکی از ویژگی های این خانواده این است که خانه بزرگ پدری شان را در اختیار دیگر همسایه ها می گذارند تا مراسم مذهبی را در آن برگزار کنند. مرادی زاده می گوید: همسایه های اینجا از قدیم هوای همدیگر را داشتند. مثلاً همسایه دیوار به دیوار خانه پدری ام، چند سالی می شود که به رحمت خدا رفته است. او هر سال روز چهل و هشتم شله زرد می پخت و کلی مهمان داشت. خانه شان کوچک بود و ما از مهمان هایش در خانه مان پذیرایی می کردیم و مادرم آبگوشت قورمه سبزی اش را می پخت.

باهره خانم چند سال پیش درگیر بیماری سرطان شد و در این مدت، همین همسایه ها کارهایش را انجام دادند. او می گوید: صفورا خانم هر روز به دیدنم می آمد و کارهایم را انجام می داد. حتی در آن مدت، چند کار بانکی داشتم که همه را خودش پیگیری کرد و در آن روزهای سخت کنارم بود.

● رابط کار خیر

زهرا قدوسی همسایه دیگری است که باهره خانم را معرفی می کند و از کارهای خیرش برایمان می گوید. اینکه چطور هوای کارگرهای سرگردار دارد و هر وقت توانسته، برایشان غذا و میوه برده یا برای فرزندانشان که عروس و داماد شده اند، جهیزیه درست کرده است. زهرا خانم می گوید: انجام کار خیر سخت نیست؛ فقط کمی همت و پیگیری می خواهد. در همه این ۴۷ سالی که اینجا زندگی می کنم با کمک همین همسایه ها این کارها انجام شده است. تهیه جهیزیه و کمک به بیماران به پول نیاز دارد و او هر وقت مواردی از این دست پیش آمده، بدون رودربایستی سراغ همه همسایه ها، از جمله کسبه و ساکن رفته و موضوع را با آن ها در میان گذاشته است. زهرا خانم می گوید: هر کدام از همسایه ها دوست داشته باشند و هر چه در توانش باشد، کمک می کند. من فقط رابطی برای رسیدن کمک به نیازمندان هستم؛ این کاری است که از دستم بر می آید. کار خیر با کمک همسایه ها به سرانجام می رسد و ثوابش ماندگار است.



خیابان صاحب الزمان (عج) ایمن شد

پروژه اصلاح هندسی آیلند میانی خیابان صاحب الزمان (عج) در منطقه یک، طبق برنامه زمان بندی به بهره برداری رسید. شهردار منطقه یک با اعلام این خبر گفت: در پی بررسی های کارشناسی انجام گرفته، عملیات اصلاح هندسی با هدف امنیت بخشی و سهولت تردد وسایل نقلیه و همچنین پیشگیری از حوادث رانندگی اجرا شد. محمود برهانی ادامه داد: عملیات اصلاح هندسی آیلند میانی از انتهای خیابان صاحب الزمان (عج) (دانشگاه ۳) تا میدان صاحب الزمان با اعتبار ۷۵ میلیارد ریال که به همت معاونت فنی و اجرایی شهرداری منطقه یک از آبان ۱۴۰۳ آغاز شده بود، طبق برنامه زمان بندی به پایان رسید.



«گروه جهادی شهید زوار» در فصل بهار به داد زائران رسید

خادمان حوزه سلامت

صفائی «گروه جهادی شهید زوار» بیش از یک سال است در یکی از مراکز آبخشار عاطفه هادر میدان توحید مستقر شده است و به رایگان به نیازمندان خدمات دندان پزشکی ارائه می دهد. این گروه که سال هاست در حوزه سلامت خدماتی ارائه می کند، در پانزده روز عید نوروز علاوه بر خدمت به نیازمندان، زائران را هم پوشش داد. در این کار خیر، تأمین نیروی انسانی و ارائه خدمات با گروه جهادی بود و تجهیزات و مواد اولیه را آبخشار عاطفه ها بر عهده داشت. خدمات پشتیبانی نیز از سوی سازمان بسیج شهرداری مشهد تأمین شد.



گل باران معابر منطقه یک

با آمدن فصل بهار و بیدار شدن طبیعت، گل های بهاری جلوه ای خاص به منطقه یک داد. در این ایام، هزار و ۵۲۵ متر مربع لکه گیری چمن اجرا شده است. همچنین در متراژ ۱۰ هزار و ۳۰ متر مربع تعداد ۶۸۶ هزار و ۴۵۰ بوته گل فصلی کاشته شد. کاشت ۹ هزار و ۴۵۰ بوته گل دائمی و ۱۶ هزار بوته پرچین از دیگر خدمات فضای سبز در منطقه است.



وعده ساخت یک ساله مجموعه ورزشی
محله قدس، عملی نشد

تورم، دلیل راکد ماندن پروژه

حسین برادران فراشباهت چندان به سالن ورزشی چند منظوره ندارد. زمینی خالی در خیابان بهارستان ۷ است که یک متر گودبرداری و به حال خود رها شده است. اما گویا قرار بر این بوده است که این محل به عنوان یک پروژه زود بازده در مدت یک سال تکمیل شود و اهالی محله قدس از امکانات ورزشی، فرهنگی و آموزشی آن استفاده کنند. در گفت و گو با چند نفر از اهالی، این موضوع را پیگیری کردیم.



● پیشرفت در حد یک متر گودبرداری

این سالن چند منظوره بحران با کارکرد ورزشی و فرهنگی در خیابان بهارستان ۷ محله قدس قرار دارد؛ مجموعه ای ورزشی که قرار بود تا پایان سال گذشته، یعنی ۱۴۰۳ به پایان و به بهره برداری برسد. کلنگ زنی پروژه با حضور نمایندگان از شورای شهر و شهردار منطقه انجام گرفت. در روز مراسم اعلام شد که پروژه چند میلیارد بودجه گرفته است و در مدت یک سال یعنی تا پایان اسفند ۱۴۰۳ افتتاح خواهد شد. احمد فراهی، یکی از اهالی محله، با بیان این توضیحات می گوید: متأسفانه این وضعیت زمین سالن بحران است که تنها خاک برداری سطحی زمین انجام شده و هیچ اثری از سازه یا حتی یک دیوار وجود ندارد. پیمانکار نیز از چند ماه قبل، کار را رها کرده و عملاً ساخت پروژه متوقف شده است.

افتتاح این پروژه چند منظوره می توانست تا حدود زیادی کمبودهای محله در حوزه ورزشی، فرهنگی و آموزشی را جبران کند اما به گفته اهالی، این بدقولی همه شهروندان را ناامید و سرخورده کرده است.

● فضای ناامن در محله

زمین رها شده پروژه، امروز به محلی ناامن برای اهالی تبدیل شده است. محمد رضانی، از همسایه های این زمین، می گوید: چون این محل در مسیر رفت و آمد اهالی قرار دارد، زورگیران و سارقان در پناه گودی آن مخفی می شوند و سر راه شهروندان را می گیرند و از آنان زورگیری می کنند. وی که کارگاهی در همین نزدیکی دارد، با اشاره به افزایش سرقت از کارگاه های اطراف در چند ماه گذشته می افزاید: همکاران ما تاکنون چندین مورد سرقت از کارگاه های خود را گزارش داده اند که نگران کننده است. آن ها دلیل این ناامنی را همین زمین رها شده می دانند.

در مجاورت این زمین، پارک کوچکی قرار دارد که گویا جزئی از همین پروژه چند منظوره است اما متأسفانه به دلیل بی توجهی، تعداد زیادی از درختان آن خشک شده و هیچ گونه امکاناتی ندارد. این پارک در حال حاضر پاتوق معتادان و موادفروشان شده است.

● پیگیری شورای اجتماعی محله

رئیس شورای اجتماعی محله قدس با بیان این مطلب که بارها پیگیر کار پروژه از طریق شهرداری و حتی شورای شهر بوده است، می گوید: با شروع این پروژه، اهالی محله بعد از مدت ها محرومیت، به عدالت و نگاه عدالت محور شهرداری اعتقاد پیدا کرده بودند اما متأسفانه با توقف کار از آن نیز ناامید شدند. عارف غفوریان می افزاید: تنها دلخوشی بچه ها و نوجوانان این محله به این مجتمع ورزشی بود و اینکه بالاخره آن ها هم صاحب امکانات خواهند شد. اما این امید کوچک نیز از آن ها گرفته شد و دوباره باید در زمین های خاکی و سنگلاخ فوتبال بازی کنند.

● تعیین بودجه پروژه در سال ۱۴۰۴

معاون فنی و اجرایی منطقه ۲ گفت: سال گذشته مناقصه اجرای پروژه سالن چند منظوره بحران برگزار شد. پیمانکار کار را شروع کرد اما بعد از نوسانات ارزی و تورم ایجاد شده و افزایش قیمت مصالح و تجهیزات به دلیل متضرر شدن انصراف داد. محسن قره خانی افزود: در سال جدید به دنبال گرفتن بودجه مناسب و کافی برای طرح هستیم و با دریافت بودجه و قرار گرفتن در پروژه های امسال شهرداری منطقه، پروژه تکمیل خواهد شد.

چمن زنی برای آراستگی گیاهان

به منظور جلوگیری از گسترش علف های هرز و رشد بهتر گیاهان، عملیات چمن زنی میدان کشاورز، لچکی توس ۲۴، میدان معراج، لچکی های بولوار جانباز و بوستان پردیس اجرا شده است. چمن زنی و وجین علف های هرز با هدف ایجاد نظم، آرایش و پیراستگی منظر فضای سبز شهری اجرا شد.

شهر خبر

۲

نونواری خیابان هادر «حسین باشی»

به منظور اصلاح شیب بندی و ارتقای زیر ساخت معابر، خیابان حسین باشی ۱۱ و ۱۳ به مترائز چهارصد متر مربع روکش آسفالت شد. روکش آسفالت خیابان ها و معابر شهری به منظور ایجاد سطحی مقاوم و افزایش طول عمر آسفالت انجام می شود. علاوه بر روکش آسفالت، مشکل جمع آوری آب های سطحی بر طرف و آبراه های وسط این خیابان ها اصلاح شد.

قلع بناهای متخلف ادامه دارد

رویکرد قاطع شهرداری منطقه ۲ در برخورد با ساخت و سازهای غیر مجاز و ناایمن در سال جدید همچنان پابرجاست. در همین راستا از ساخت و ساز غیر اصولی سه بنا که خلاف ضوابط شهرسازی ساخته شده بودند، مطابق حکم قضایی جلوگیری شد.



عضو کمیته نظارتی شهرداری
منطقه ۲ در اولین نشست سال
جاری گفت

پیشرفت کارها با انسجام بین همکاران

صفائی | عضو کمیته نظارتی شهرداری منطقه ۲ در اولین نشست سال جاری گفت: منطقه ۲، منطقه ای گسترده با حدود ۷۰۰ هزار نفر جمعیت است که از برخی شهرستان ها جمعیت بیشتری دارد. فاطمه سلیمی ادامه داد: در این دوره فعالیت شورای شهر سعی کردیم روی کلان پروژه های منطقه ۲ مانند تصفیه خانه ها، سالن های ورزشی، چمن مصنوعی پارک های خطی و معابر خاکی تمرکز کنیم. طی این مدت، بسیاری از زمین های خاکی این منطقه آسفالت شده است. به ثمر نشستن سیاست های شورای شهر به عملکرد شهرداری برمی گردد که خوشبختانه همراهی شهرداری منطقه ۲ با کمیته نظارتی و اتحاد و انسجام بین کارکنان سبب شد کارها به خوبی پیش برود.

وی توضیح داد: با وجود مشکلات مالی در سال گذشته باز هم این منطقه در اجرای پروژه های عمرانی جزو رتبه های برتر بود که این نشان از همکاری منسجم پرسنل در منطقه دارد.

سلیمی گفت: پروژه های زمین چمن مصنوعی در انتهای بولوار توس و پارک خطی حاشیه بزرگراه چراغچی به بهره برداری رسیده است. پروژه هایی مانند تقاطع غیر هم سطح خیام میدان شهید فهمیده نیز پیشرفت خوبی داشته اند.

شيفته تدوين شدم

محمد صادق در کلاس های انجمن شرکت کرد و دوره های عمومی سینما مثل فیلم نامه نویسی، عکاسی، فیلم برداری، تدوین و کارگردانی را به صورت کلی آموزش دید. بعد هم با هم کلاسی هایش به گروه های چند نفره تقسیم شدند و با دوربین سوپر ۸ شروع به فیلم سازی کردند؛ «یادش به خیر؛ سال ۱۳۷۳ ما جزو آخرین نفراتی بودیم که برای امتحان انجمن سینمای جوان با دوربین سوپر ۸ فیلم کوتاه ساختیم، چون بعد از آن دوربین ویدئویی آمد و حالا هم که دوران دیجیتال است. آن زمان با دستگاه آپارات می نشستیم و فیلم های ساخته شده یکدیگر را می دیدیم و به صورت عملی درس هایی را که خوانده بودیم، مرور می کردیم.» دهقان پور توضیح می دهد: دوره های مقدماتی را پشت سر گذاشتیم. مسئولان انجمن تصمیم گرفتند دوره های تخصصی را برای هنرجویان برگزار کنند. آن زمان در مشهد دوره تخصصی برگزار نمی شد اما مدیریت جدید انجمن چهار کلاس تدوین، صدا برداری، فیلم برداری و فیلم نامه نویسی را دایر کرد. آنجا بود که فهمیدم به تدوین علاقه خاصی دارم. چند وقت بعد کمی حرفه ای تر شدم و با حمایت انجمن از تدوین به درآمد هم رسیدم.

زیربوم حرفه تدوینگری از زبان هنرمند محله سجاد که عمرش را پای این هنر گذاشته است

چینش هماهنگ نماها و آواها

میترا صدرا پشت سیستم نشسته و به تصاویر مانتیورهای مقابلش خیره شده است. پشت سر هم برداشت های مختلف را می بیند و دیالوگ هارا می شنود. این برداشت را به آن یکی را به دیگری می چسبانند. در هم ادغام می کند، حذف می کند، برش می زند و محصول چند ساعت تلاشش را بازبینی می کند؛ اما انگار چیزی درست نیست و دوباره از نو تمام این مراحل را انجام می دهد. امروز به دفتر کار محمد صادق دهقان پور، هنرمند تدوینگر محله سجاد، آمده ایم تا درباره حرفه و هنر تدوینگری بشنویم؛ هنری که کارگردانی دوباره است. این هنرمند سال های سال با مجموعه های مختلفی از جمله انجمن سینمای جوان، آستان قدس رضوی و شهرداری مشهد همکاری کرده است و احتمالاً بدون آنکه بدانیم، آثارش را در رسانه های مجازی یا سینماهای شهر و تلویزیون دیده ایم. اغلب آثار او در شبکه های مستند، افق و خراسان رضوی پخش شده است.

داستان جلد

پیاده روی در مسیر سرنوشت

محمد صادق دهقان پور متولد ۱۳۵۶ است. پدرش کارمند جهاد سازندگی بود و به قول آقای دهقان پور خانه به دوش بوده اند. پنج خواهر و برادر هستند و هر کدام در یک شهر به دنیا آمده اند. محمد صادق متولد زاهدان است و از دوران راهنمایی اوبه مشهد آمده اند. در ابتدا ساکن محدوده خواجه ربیع بوده اند. او هم مثل خیلی از هم سن و سالانش درس می خوانده است تا اینکه به صورت اتفاقی و در مسیر پیاده روی تا محل کار پدرش، تابلو انجمن سینمای جوان را می بیند. می گوید: از میدان شهدا تا محل کار پدرم در چهارراه بیسیم (خیابان جهاد امروز) پیاده می رفتم. سال دوم دبیرستان بودم که در مسیرم تابلو انجمن سینمای جوان را دیدم. آن زمان خانم وفادار مسئول انجمن بود. همان جادر کلاس هائیت نام کردم. پدرم به کتاب علاقه داشت و من هم مثل او به خواندن کتاب علاقه داشتم؛ اما اطلاعات زیادی از سینما و ساخت فیلم و دوره های تخصصی آن نداشتم. آشنایی ام با سینما در حد دیدن فیلم روی پرده بود.

مدرسه ای به نام انجمن سینمای جوان

بعد از ثبت نام متوجه شد که باید در آزمون ورودی شرکت کند. آن زمان به جز انجمن سینمای جوان، مشهد هیچ مؤسسه سینمایی دیگری نداشت. نزدیک چهار صد نفر خانم و آقایان در امتحان ورودی شرکت کرده بودند و از این تعداد تقریباً چهل نفر قبول می شدند. محمد صادق یکی از آن ها بود. او تعریف می کند: ورود به این دوره مسیر زندگی ام را تغییر داد. پیدا کردن دوستان جدید و گذراندن دوره های مختلف انجمن سینمای جوان باعث شد دیگران چنان دل بسته درس و مدرسه نباشم و پس از مدتی هم مدرسه را به کلی رها کردم و دنبال علاقه ام در سینما رفتم. سر کلاس های انجمن همیشه با هم کلاسی هاسرا دامه دادن تحصیل یا دنبال کردن همین کلاس هاصحبت بود. من و تعداد دیگری از هنر جوها کارگردان های مختلف را مثال می زدیم که هیچ کدام درس نخوانده و سراغ فیلم سازی رفته اند، پس ماهم می توانیم؛ اما بعد ما فهمیدم درس خواندن اهمیت دارد و دوباره سراغش رفتم و الان هم دانشجوی کارشناسی ارشد رشته پژوهش هنر هستم.

از تدوین آنالوگ به دیجیتال

محمد صادق البته بیشتر تجربی پیش رفته است تا از راه تحصیلات دانشگاهی. او می گوید: از سربازی که برگشتم، نیاز به درآمد داشتم و تدوین تنها هنرم بود. جالب این بود که قبل از سربازی با دستگاه های آنالوگ تدوین می کردم ولی در این مدت همه چیز دیجیتالی شده بود. خوب به یاد دارم روزی که وارد اتاق تدوین انجمن سینمای جوان شدم و به جای دستگاه های قدیمی رایانه هارا دیدم، چیزی از آن نمی فهمیدم. ۶ ماهی وقت گذاشتم تا دانسته هایم را دیجیتالی کنم. او حدود یازده سال کارمند مؤسسه آفرینش های هنری آستان قدس رضوی بود و کار تدوینگری را انجام می داد. البته چون اولین نسلی بودند که تدوین دیجیتالی انجام می دادند، از همان اوایل کار، سراغ آموزش این کار به دیگران هم رفته و در مرکز آموزش انجمن سینمای جوان برای مشتاقان تدوین تدریس می کرده است.



تندیس افتخار از جشنواره فیلم بسیج اختران نیشابور

تندیس افتخار از سومین جشن مهر سینمای خراسان رضوی

مستندی که امیراطهر سهیلی در سوریه ساخت و صد ساعت راش خام داشت و تدوینش حدود یک سال زمان برد. نامش «نجوای شکسته» بود و قصه آن درباره یک نقاش سوری بود که جنگ مانع از ادامه فعالیتش شده بود. این شخص داخل خرابه های موشک خورده می گشت و ساز و آلات موسیقی پیدایم کرد و روی آن ها نقاشی می کشید. فیلم داستان این پیرمرد است و حالا این پیرمرد و شاگردانش دنبال نوازندگانی می گردند که این سازهای نقاشی شده را بنوازند. خیلی تحت تأثیر شخصیت های این فیلم قرار گرفتیم.

فقط در برخی از جشنواره های فیلم، بخش تدوین فیلم ها به رقابت می پردازند. درست است؟

در جشنواره فیلم های کوتاه، جوایز نهایتاً به بخش کارگردانی و تهیه کنندگی تعلق می گیرد. تنها جشنواره ای که چند سالی می شود به عنوان تدوینگر در آن شرکت می کنم، سینمای حقیقت است. جشنواره فیلم کوتاه تهران هم جزو جشنواره های معتبری است که کارگردان های فیلم های کوتاهی که تدوین آن ها را به عهده داشته ام، در آن حضور داشته اند. سال گذشته برای تدوین فیلم کوتاه «دلول» جایزه تدوین رادر جشنواره فیلم بسیج اختران کسب کردم.

شما از تدوین آنالوگ به دیجیتال رسیدید. فکر می کنید مرحله بعدی این حرفه چیست و مثلاً هوش مصنوعی می تواند جای تدوینگر را بگیرد؟

از نظر من هوش مصنوعی خلاف نامش اصلاً باهوش نیست؛ حداقل در حال حاضر و خیلی وابسته به درخواست و توانایی کاربر است. اگر کاربر نتواند منظورش را به درستی انتقال دهد، نتیجه کار اصلاً مناسب نخواهد بود؛ مثلاً در حوزه ساخت موسیقی، افراد غیر حرفه ای با بهترین ابزارهای هوش مصنوعی، آثار بسیار ضعیفی تولید می کنند. برعکس کسانی که خیلی ماهر هستند، می توانند از هوش مصنوعی به خوبی استفاده کنند اما آن ها هم اغلب خودشان کار را انجام می دهند. در یک کلام به نظر من هوش مصنوعی جای خلاقیت انسانی را پر نمی کند. از این نظر تا سال ها هنر تدوین باقی خواهد ماند.

حضور در جشنواره ها

حضور در جشنواره سینما حقیقت با فیلم نجوای شکسته به کارگردانی امیراطهر سهیلی، سال ۱۴۰۳

حضور در جشنواره سینما حقیقت با فیلم آبی به کارگردانی سارا طالبیان، در سال ۱۴۰۳. این فیلم بهترین مستند کوتاه جشنواره شد.

حضور در جشنواره اختران برای فیلم های دلول و دیسپچ، سال ۱۴۰۳ و دریافت بهترین تدوین

حضور در جشنواره سینما حقیقت با فیلم روایت فرهنگ، سال ۱۴۰۲ که داستان زندگی دکتر فرهنگ است.

حضور در جشنواره سینمای جوانان با فیلم نرموک، سال ۱۴۰۳

یک تدوینگر فیلم ها را چگونه می بیند؟

فیلم دیدن برای ماسرگرمی و هم زمان بخشی از کار است. به شخصه از آثار تدوین شده حسن حسن دوست لذت می برم و شیوه انجام کارش را دوست دارم و از کارهایش یاد گرفته ام. البته که تا تمام مراحل کار خوب نباشد، تدوین هم خوب نخواهد بود. از این نظر آثار داریوش مهرجویی برایم جذاب است.

در حوزه بین المللی هم ارادت ویژه ای به والتر مرچ، تدوینگر و طراح صدا و استاد شناخته شده این هنر دارم. این هنرمند اثری مستند هم درباره ایران دارد که مربوط به کودتای مرداد ۱۳۳۲ است. همچنین فیلم بیمار انگلیسی از کارهای او است. البته مرچ نویسنده دو کتاب در حوزه تدوین هم هست. او تدوین را هم زمان در خدمت فیلم و در کنارش، اثری مستقل می داند که از بقیه مراحل تولید جداست و این مرحله را تولد سوم فیلم پس از فیلم نامه و تولید معرفی می کند.

چرا این حوزه های مختلف سینما تدوین را انتخاب کردید؟

تدوین شخصی پر حوصله می خواهد. اینکه ساعت ها تنها پشت سیستم بنشینم و اجزای مختلف را جمع و جور و سرهم کنی، از عهده هر کسی بر نمی آید. تدوینگر اثر را بارها و بارها در برداشت های مختلف می بیند تا بهترین را انتخاب کند. با این اوصاف مهم ترین ویژگی تدوینگر صبر و حوصله است.

فعالیت حرفه ای خودتان را چگونه دسته بندی می کنید؟

این طور بگویم که بخشی از کارم بیشتر برای معیشت است و در بخش مابقی قرار می گیرد که سفارش دهندگانش مجموعه هایی مثل آستان قدس رضوی و شهرداری مشهد است. قسمت دوم کار که برای من دل نشین تر محسوب می شود، بخش تدوین فیلم های داستانی و مستند است. در این بخش، بیشترین کارم مربوط به تولیدات امیراطهر سهیلی است؛ چون رابطه همکاری بینمان شکل گرفته و با هم حدود دوازده مجموعه تلویزیونی کار کرده ایم. آثار عبد... حاجی محمدی را هم برای شبکه های مختلف تلویزیون تدوین کرده ام.

سراغ ساخت فیلم و کارگردانی هم رفته اید؟

همان اوایل این کار را کردم، اما فیلم نامه خوبی انتخاب نکردم. فیلم نامه ای بود با لوکیشن و بازیگران متعدد و در نهایت نتیجه هم نامطلوب بود. این شرایط باعث شد به اصطلاح پشت دستم را داغ کنم که دیگر سراغ فیلم سازی نروم. اصطلاحی هم هست که می گویند پشت هر تدوینگر موفق یک کارگردان شکست خورده است.

چه شد که قید کارگردانی را زدید؟

دغدغه معیشت همیشه گریبان گیر هنرمندان بوده و هست. سال های سال در محیط اداری مشغول کار بودم، جایی که قواعد و شرایط آن چندان دست را برای خلاقیت باز نمی گذارد و بالاخره ازدواج و بچه دار شدن شرایطی ایجاد کرد تا قید درآمد ثابت را بزنم و هم زمان با بچه داری برای خودم کار کنم. ۲۸ اسفند سال ۱۳۹۳ اعلام کردم که در سال جدید به اداره نمی آیم و چند روز بعد در ۴ فروردین ۱۳۹۴ دوست خوبم امیراطهر سهیلی تماس گرفت و سفارش مونتاژ یک کار تلویزیونی را برای شبکه مستند داد؛ مجموعه چهار قسمتی «خونه به خونه». جدا از این، مستند های مستقل و آثار بچه های انجمن سینمای جوان را هم تدوین کرده ام که در حوزه آثار داستانی و مستند بوده اند.

در بین آثار خودتان، کدام یکی را بیشتر می پسندید؟

نقش تدوین در تولید اثر تصویری چیست؟

تولید یک فیلم سه مرحله دارد که شامل پیش از تولید، تولید و پس از تولید می شود. شاید اغلب مردم تنها بخش تولید در نظرشان پراهمیت باشد و آنجایی که گروه فیلم برداری و صدا، بازیگران و کارگردان حضور دارند، اما در دو مرحله پیش و پس از تولید هم چالش های بسیاری وجود دارد.

تدوین در بخش سوم و تازه پس از پایان فیلم برداری آغاز می شود. من همیشه در کلاس ها این طور مثال می زنم که کار ما مثل رنگ و لعاب کوزه پس از کوزه گری است و تازه آنجا باید آن کوزه پخته شود؛ کارهایی مثل صداگذاری، تصحیح رنگ و جلوه گذاری و... در نهایت هم باید موسیقی روی کار قرار داده شود.

تدوین به کارگردانی دوم معروف است. چرا؟

در مرحله تولید، نقش کارگردان و در مرحله پس از تولید، نقش تدوینگر کلیدی است. در تدوین، کارگردان حضور دارد، اما این طور بگویم که فرمان دست تدوینگر است. تأثیری که تدوینگر با خلاقیتش در اثر نهایی می گذارد، همانند یک کارگردانی دوباره است. حتی اگر کارگردان در مرحله تولید اشتباه کرده باشد، در مرحله تدوین تا حدود زیادی جبران می شود. از این نظر تدوین نوعی کارگردانی دوباره است.

از نظر شما تدوینگر حرفه ای چه ویژگی هایی باید داشته باشد؟

تدوین دو بعد دارد؛ یکی فنی و دیگری هنری. خیلی از تدوینگرها تنها در یک بعد سرآمد هستند و به همان تکیه می کنند. از این نظر پیشرفت چندانی نمی کنند. مثلاً طرف می گوید که ۱۰ سال است تدوینگر و کار با ۱۰ نرم افزار تخصصی را بلد ام. این خوب است، اما گاهی تسلط عالی بر یک یا دو نرم افزار نتیجه بهتری می دهد.



خاطره ساکن قدیمی خیابان موسوی قوچانی ۲۴ از زندگی در دهه ۶۰

ماری که دزدها جا گذاشتند

محلله گردی

در اواخر دهه ۶۰ از وسط خیابان موسوی قوچانی ۲۴ به بعد، دیواری بود که پشت آن باغی با درختان توت بسیار قرار داشت. باغ‌های سرسبز، مردم را در بهار به اینجای می‌کشاند تا روزهای تعطیل به ویژه جمعه‌ها را در این فضا سپری کنند.



ایستگاه اول

صفائی اکبر نظرعلی زاده زمانی ساکن موسوی قوچانی ۲۴ شد که تعداد خانه‌های اطرافش کمتر از انگشتان دست بود. او از همان زمان تاکنون در محله عبدالمطلب زندگی می‌کند. آن طور که می‌گوید، این زمین را سال ۱۳۶۶ تحویل گرفته و سال ۱۳۶۷ ساخت و ساز آن را شروع کرده است. تا سال ۱۳۷۲ امکاناتی مانند آب، برق و گاز هم نداشتند که بعد از آن با افزایش ساخت و سازها امکانات شهری به اینجا آمد. اکبر آقا روزه‌ها و آدم‌هایی را به یاد دارد که برای تعریف کردن خاطره هرکدامشان یک «خدا رحمت کند» هم کنار نامشان می‌آورد.

درست جایی که مسجد قرار دارد، چاه موتور بود که باغات را با آن آبیاری می‌کردند. اما بعد از ساخت و ساز و تخریب باغ‌ها این چاه هم جمع شد و مردم با کمک یکدیگر در اینجا مسجد ساختند.

ایستگاه دوم



ایستگاه سوم

ایستگاه چهارم

خانه مرحوم حسین باقری در خیابان شهید منصوری بود. از همان ابتدا خانه‌اش را سه طبقه ساخت. خدا رحمتش کند؛ او یکی از خیران محله بود که به همه کمک می‌کرد. فرش‌های مسجد محله را هم اواهدا کرد. آدم دست به خیری بود.

ایستگاه پنجم



اوایل دهه ۷۰ خیابان‌های موسوی قوچانی که ساخته شد، شهرداری در انتهای موسوی قوچانی ۲۴ پارک ساخت. اما عده‌ای آمدند خانه‌های پنجاه متری در آن ساختند. شهرداری آن بناهای نصفه نیمه را خراب کرد و پارک ابریشم را ساخت.

ایستگاه ششم



زمانی که می‌خواستیم خانه را بسازم، یک شب آدم سری به مصالح ساختمانی بزنم. در تاریکی شب، مار خیلی بزرگی را دیدم. گاز موتور را گرفتم و فرار کردم. فردا صبح آدمم ببینم آن مار رفته است یا نه؛ تازه متوجه شدم میل گرد بزرگی بوده که احتمالاً دزدی‌ها می‌خواستند ببرند و یادین من، آن را گذاشته و خودش هم فرار کرده بودند.

در اواخر دهه ۶۰ که این محدوده هیچ بنا و مغازه‌ای نداشت، حواسمان بود که تمام خریدهای مان را انجام دهیم و گرنه در تاریکی شب و بیابانی که مقابلمان بود، نمی‌توانستیم جایی برویم.



عکس: حمیده صفائی/شهرآرامش

پویش «مشهد مهربان» این بار در دبیرستان دخترانه البرز برگزار شد

توجه دختران به مادران دربند



صفائی حضور ارتشیان و دانش آموزان دبیرستان و هنرستان البرز در مقابل این مدارس توجه رهگذران را به خودش جلب می کرد. هر که از آنجای گذشت می پرسید «اتفاقی افتاده؟!». کارشناس فرهنگی و اجتماعی شهرداری منطقه یک با حوصله درباره پویش مشهد مهربان به آن ها توضیح می دادند. برنامه با آیتانی از قرآن و سرود ملی که توسط ارتشیان نواخته شد، آغاز شد. هر لحظه به این جمع افزوده می شد. به ویژه وقتی مردم متوجه می شدند این دوره می برای کمک به زندانیان غیر عمد است.

● ممکن است برای ما هم اتفاق بیفتد

کارشناس فرهنگی شهرداری منطقه یک با اشاره به پویش مشهد مهربان و آزادسازی زندانیان غیر عمد می گوید: این طرح ضمن رقم زدن یک اتفاق خوب، باعث همدلی مردم هم می شود. محمدرضا رنجبر ادامه می دهد: به طور حتم در مدارس رقم چندان جمع نمی شود؛ چون نمی توان توقع داشت یک دانش آموز در مدرسه وجه شایان توجهی همراه خودش داشته باشد. اما مهم این است که فرزندان ما از همین دوران نوجوانی کمک به هم نوع را بیاموزند. علی اصغر عباسی، عضو شورای اجتماعی محله احمدآباد، نیز درباره این طرح توضیح می دهد: کارهای گروهی خرد اما جمعی، مردم را پای کاری می آورد و آن ها یاد می گیرند که در رفع مشکلات یکدیگر دخیل باشند. وی یادآور می شود: گاهی می شنویم مردم ندانسته می گویند زندانیان خطا کرده اند، حالا جورش را هم بکشند. این اشتباه

است، چون ممکن است این اتفاق برای هریک از ما پیش بیاید. به طور مثال شما رانندگی می کنید و یک بچه جلو ماشین می پرد. اگر حواستان نباشد، با او برخورد می کنید. گاهی تعهدات بیمه جابجوی مبلغ بیمه نیست یا متوجه نمی شوید تاریخ گواهی نامه تان به پایان رسیده و تصادف می کنید. این را گفتم که بدانید اتفاقات بسیاری از دست ما خارج است. عباسی ادامه می دهد: مردم ما باید جرائم عمد را از غیر عمد تفکیک کنند و به افرادی که ناخواسته دچار مشکل شده اند، کمک کنند.

● مادران سرپرست خانوار اولویت ما هستند

مدیر دبیرستان البرز که میزبان این برنامه است، می گوید: این طرح با کمک شهرداری منطقه یک اجرا شده است. ما می خواهیم دخترانمان یاد بگیرند طوری رفتار نکنند که ناخواسته به دردسر بیفتند. همچنین خواستیم این کار زیاده را محوطه باز اجرا شود تا همسایه ها و اطرافیان به جمع ما بپیوندند و این فرهنگ سازی ایجاد شود. هما کاکری ادامه می دهد: اتفاقات مختلفی ممکن است باعث عصبانیت نوجوانان شود و آن ها کاری کنند که خودشان به دردسر بیفتند. یا حتی گاهی به شوخی یکدیگر را هل می دهند و دوستشان دچار آسیب می شود. اغلب این جرائم اتفاقاتی است

که در طول زندگی با آن مواجه می شویم. زهرا مولوی پور، دانش آموز کلاس هشتم، به نمایندگی از دوستانش به ما می گوید: وقتی درباره برنامه به ما گفتند، تمام دوستانم به اتفاق گفتند ما می خواهیم به مادران زندانی کمک کنیم. به نظر ما خیلی سخت است که مادر در خانواده حضور نداشته باشد. برای یک لحظه خودمان را جای بچه های آن ها گذاشتیم و تصمیم گرفتیم در حد توانمان کمک کنیم. امیدواریم مسئولان هم این مادران را در نظر بگیرند و به آن ها کمک کنند.

نیم ساعتی از برنامه نگذشته است که همسایه ها هم به این جمع می پیوندند. نزدیکی ایستگاه اتوبوس به این خیابان، سبب کنجکاوای مسافران شده است و هریک از آن ها که ماجرا را می شنود، در حد توان خود کمک می کند.



نوجوان ورزشکار محله کوی امیرالمؤمنین (ع) می خواهد با کاراته به رویای کودکی اش برسد

آقای پلیس آینده



حسین برادران فراهیشت سال قبل، ورزش کاراته را شروع کرده و در این مسیر موفقیت هایی نیز به دست آورده است. اما مهم ترین دستاوردش از ورزش، کسب قدرت بدنی و ورزشی جسمانی بوده که او را به رویای کودکی اش یعنی افسر نظامی شدن نزدیک کرده است. سعید پور طالب، نوجوان ورزشکار محله امیرالمؤمنین (ع)، مدتی قبل در آزمون دانشکده افسری شرکت کرد و امیدوار است به آینده ای که همیشه آرزویش را داشته دست پیدا کند.

● چطور با ورزش کاراته آشنا شدی؟

یک روز که از مسیر مدرسه به سمت خانه می رفتم، یکی از تراکت های تبلیغی باشگاه به دستم رسید. به آنجا رفتم و ثبت نام کردم. این مسیر از ده سالگی تا به امروز ادامه داشته است.

● اولین موفقیت ورزشی ات را یادت هست؟

بله. سال ۱۳۹۷ برای اولین بار در مسابقات استانی کاراته که در سالن کارگران مشهد برگزار شد، شرکت کردم. تمرینات کمی داشتم و بیشتر برای محک زدن خودم آمده بودم. اما تا مرحله نیمه نهایی بالا رفتم و مقام دوم مسابقات را کسب کردم.

● غیر از کاراته به ورزش دیگری هم علاقه داری؟

از سال ۱۴۰۰ ورزش بدن سازی را به صورت حرفه ای شروع کردم: بدن سازی ورزشی مکمل آماده سازی در ورزش کاراته است.

● هزینه های ورزشی ات را چگونه تأمین می کنی؟

در گذشته بیشتر هزینه ها را خانواده تأمین می کردند اما از زمانی که شغل دکوراسیون داخلی را شروع کردم و درآمدی دارم، هزینه باشگاه، لباس و دیگر تجهیزات را خودم پرداخت می کنم. البته خانواده هنوز هم پشتیبان و حامی ام هستند.

● بهترین هدیه ای که گرفتی، چه بود؟

مراسم قدردانی که برای من و دیگر دانش آموزان ممتاز در مدرسه برگزار شد. وقتی این مراسم را در کانال «قهرمانان استان» دیدم، احساس غرور کردم.

● از ورزش کاراته چه تجربه ای آموخته ای؟

اینکه دارای قدرت بدنی و جنگنده باشی اما در زمان عصبانیت، آرامش خودت را حفظ کنی. این بهترین درس من از ورزش کاراته بود.

● اوقات فراغت را چگونه می گذرانی؟

کتاب خواندن را خیلی دوست دارم و تا حالا کتاب های بسیاری خوانده ام. آخرینش «ده بچه زنگی» بود.

● دوست داری در آینده چه شغلی داشته باشی؟

دوست دارم افسر پلیس شوم. همیشه از کودکی به لباس های زیبا و فرم افسران پلیس، تناسب و شیک پوشی آن ها علاقه داشتم.

● دنبال کردن کاراته ارتباطی با پلیس شدن دارد؟

از همان کودکی می شنیدم لازم پلیس شدن، قوی بودن و ورزشی بودن است و من با ورزش به دنبال آن بوده ام.

● به نظرت امکانات تا چه اندازه می تواند در موفقیت ورزشکار تأثیر داشته باشد؟

به نظرم تأثیر خیلی کمی می تواند داشته باشد. همه چیز بستگی به تلاش و پشتکار خودت دارد؛ برای موفقیت فقط باید تلاش و تمرین کرد. تا زمانی که نه یار و نه چندان مهم نیست.



زرکش، مشهدقلی، نوده، حجت، نوید، فدک، کوی امیرالمؤمنین^(ع)، هدایت، ایتارگران، قدس، ابوطالب، هنرور، سمزقند، آیت...، عبادی، شهیدفرامرز عباسی، بهاران، خین عرب، اسماعیل آباد، کارخانه‌قند، عبدالمطلب، شفا، شهیدمطهری، عامل، حسین‌یاشی، کاشانی

محلات منطقه‌ها

۱ احمدآباد، راهنمایی، فلسطین، سجاد، آبکوه، ارشاد، صاحب‌الزمان^(ع)، سعدآباد، شهیدکلاهدوز، گوهرشاد، کوی دکتر



ساخت مسجد هجرت با مساحت ۴۰۰ مترمربع در سال ۱۳۶۱ آغاز شد و سال ۱۳۶۶ به پایان رسید. هزینه ساخت آن را مرحوم سید حسین جلالی بر عهده داشت که از ساکنان قدیمی این محدوده بوده است.



کتابخانه هجرت برای «مهندس» ها

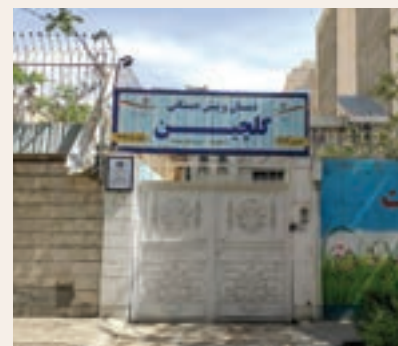
صفائی‌اخیابان مهندس ۱۴ یکی از معابر قدیمی محله ارشاد است که با نام پیام ۱۴ آن‌را می‌شناختند. اما از سال ۱۴۰۰ که سازمان نظام مهندسی درخواست داد نام خیابان پیام به «خیابان مهندس» تغییر کند، پس از مصوبه شورای شهر، این معبر هم نام مهندس را به خود گرفت. هرچند این خیابان عرض چندانی ندارد که جولا نگاه‌رانندگان شود. وجود مدرسه و مسجد در این معبر سبب شده است در ساعاتی از روز ترافیک داشته باشد. در این معبر اثری از خانه‌های قدیمی نیست و بیشتر از هر چیز آپارتمان‌های چند طبقه خودنمایی می‌کند.

مهندس ۱۴
محله ارشاد



فضای باز انتهای کوچه در مقابل مسجد هجرت، بهترین مکان برای پارک خودرو ساکنان معبر و حتی رهگذران شده است.

کتابخانه عمومی هجرت سال ۱۳۷۴ در طبقه منهای یک مسجد هجرت افتتاح شد. این کتابخانه در سال ۱۳۹۸ بازسازی شد و هم‌اکنون با دارا بودن دو سالن مطالعه مجزا ویژه خانم‌ها و آقایان خدماتش را ارائه می‌کند. ۵۹۷ عضو دارد و به دلیل داشتن کتاب‌های کودک، ۱۱۳ نفر از اعضایش کودک هستند.



دبستان دوره اول و دوم گلچین جزو مدارس ناحیه ۴ است که از سال ۱۳۷۹ از یکی دیگر از معابر محله ارشاد به این کوچه منتقل شده است. این دبستان پایگاه المپیادهای بین‌المللی است و در آن، کلاس‌های فوق برنامه مانند کامپیوتر، زبان، خوش‌نویسی برگزار می‌شود. زمین چمن حیاط مدرسه، فضای شادی را برای ساعات تفریح بچه‌ها فراهم کرده است.